



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

مرکز مطالعات عالی بین المللی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

اردیبهشت ۱۴۰۵

دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه





دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه



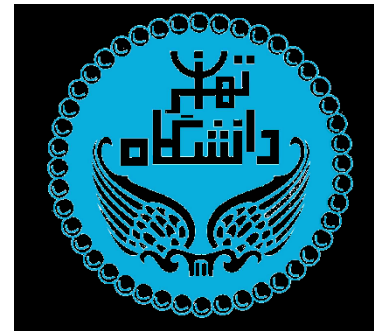
✓ اتریش: شاهزاده فن مترنیخ

✓ پروس: شاهزاده فن هاردنبورگ

✓ فرانسه: تالیران

✓ روسیه: تزار الکساندر

✓ بریتانیا: لرد کاستلره



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

کنگره وین: طولانی ترین صلح اروپا

• ۴۰ سال تا ۱۹۵۲

• تا شصت سال از ۱۹۵۴

ابتکار مترنیخ:

بر اساس موازنه قوا
در عین حال کمترین اتکا به قدرت

- موازنه قوا فرصت استفاده از قدرت را کاهش می دهد
- عدالت، میل استفاده از قدرت را می کاهد



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

ایده خودمختاری ملی هنوز ایجاد نشده بود؛

ضد تبار: تشکیل کشورهای دارای نژاد یکسان از سرزمین هایی که از ناپلئون بازپس گرفته شده است، مورد بررسی قرار نگرفت:

اتریش دست از تلاش برای تسلط بر همه آلمان برداشت؛
در ۱۸۰۶ بقایای امپراتوری مقدس روم منسوخ شد؛

✓ اتریش در ایتالیا قدرت یافت؛

✓ پروس در آلمان به تقویت خود پرداخت؛

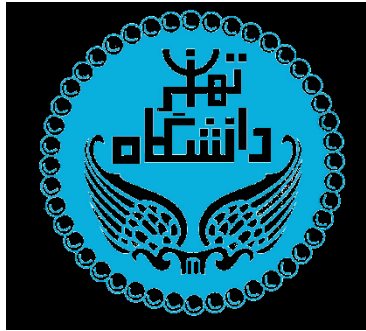
اما اتریش هنوز خود را پیشقراول می داند و رهبر معنوی.

✓ فرانسه می بایست کلیه فتوحاتش را رها کرده و به مرزهای قدیمی قبل از

ایده معنا گرایی مترنخ نضج می گیرد.

انقلاب باز می گشت؛

✓ روسیه مناطق حیاتی لهستان را تصاحب کرد.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

ریشیلیو و آلمان: اگر آلمان به کلی تحت یک پادشاهی قرار گیرد، موجب وحشت همه کشورهای دیگر خواهد شد.

❖ رقابت فرانسه با آلمان هنوز تشکیل نشده: امنیتی سازی آلمان
❖ وحشت آفرینی آلمان در اروپا

ریشیلیو اروپای مرکز ضعیف و تجزیه شده ای را به وجود آورده بود که در فرانسه وسوسه پایدار تجاوز و مبدل ساختن آن به تفریگاهی برای ارتش فرانسه را ایجاد می کرد. این تلاش های ۱۶۰۰ ریشیلیو می بایست حالا خنثی می شد.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

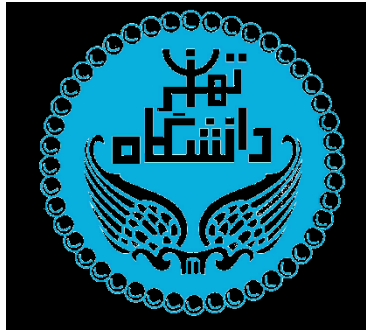
اتریش و پروس: ایالت های مهم

ایالت های بزرگ نظیر باواریا و ساکسونی و وورتمبرگ

۳۰۰ ایالت مجزا که قبل از دوره ناپلئون با یکدیگر ترکیب شده و حدود ۳۰ ایالت را با هویت جدید کنفدراسیون آلمان تشکیل دادند.

کنفدراسیون آلمان قدرتمند تر از آن بود که مورد تهاجم فرانسه قرار گیرد و ضعیف تر از آن که همسایگانش را مورد تهدید قرار دهد.

(تشکیل نهایی در ۱۸۷۱ است)



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

بعد از کنگره وین:

بخشندگی در مورد فرانسه (و نه بازنده جنگ در جنگ دوم جهانی) الگوی اروپایی تکرار شده بود.

راهبرد بریتانیا:

- ✓ صلح دوفاکتور،
- ✓ استقلال عمل و رای،
- ✓ عدم حضور در هرگونه ترتیبات اروپایی،
- ✓ ضدیت با هرگونه دولت اروپایی



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

بازدارندگی؟

اگر حداقل قدرت بازدارنده، با حداکثر قدرت متجاوز برابری می کرد (صلح ریاضی) توازنی واقعی برقرار می شد اما وضعیت واقعی تنها موازنه ای را می پذیرد که ساختگی و مشروط بود تا بتواند تا زمانی پایدار بماند که روح میانه روی و عدالت در کشورهای بزرگ و خاص دمیده شود.

بازدارندگی نظامی ممکن است صلح آفرین باشد؟ این روح میانه روی در دشمنان نیست.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

موازنه قوا

احساس مشروعیت مشترک

کنگره وین: دو سند

1. اتحاد مربع: بریتانیا، پروس، اتریش، روسیه (توازن قوا: جلوگیری از هرگونه حمله فرانسه – قدرتی سرسخت، متجاوز و ذاتاً ثبات زدا)
2. اتحاد مقدس: پروس، اتریش و روسیه (ارزش های مشترک معنوی و مذهبی) به ابتکار مترنیخ، هدف و ماموریت مشترک، مذهب نبود بلکه حفظ وضعیت اروپا بود.

اصطلاح کنسرت اروپایی تلویحا به این معنی بود که کشورهایایی که در یک سطح رقابت می کردند به توافق در مورد موضوعات پرداخته و با اجماع خود بر ثبات کلی اثر بگذارند.



دیپلماسی

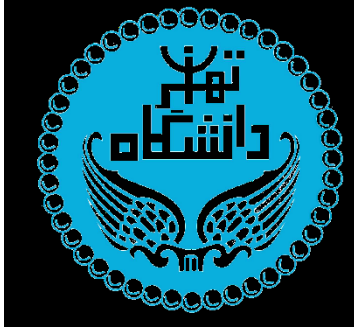
کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

مقایسه مترنیخ و ویلسون

ویلسون دموکراسی را صلح دوست معقول می دانست. اما مترنیخ آن را خطرناک و غیرقابل ارجاع. نه آزادی که صلح مبنای مشروعیت ذهنی مترنیخ بود که می بایست مبنای مشروعیت داخلی و نظام بین المللی قرار می گرفت.

ارزش های جدید در مقابل ارزش های قدیمی.

باگ های تاریخی دموکراسی: انقلاب فرانسه و انتخاب حزب نازی در آلمان. مترنیخ بر خلاف بریتانیا بر فتح قلوب و اذهان تأکید داشت و نزدیک شدن و بستن ابتکار عمل دشمن.



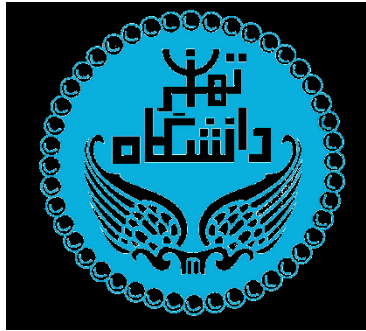
دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

سیاست موازنه مترنخ بین روسیه و بریتانیا:

اتحاد در اروپا موجب می شد بریتانیا فاصله بگیرد و در نتیجه اتریش بیشتر به روسیه وابسته می شد.

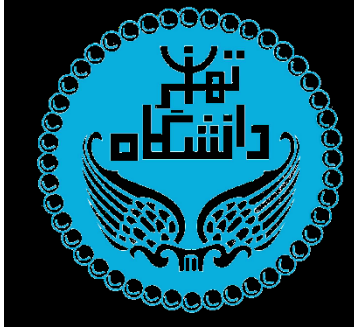
نظام کنگره ای اروپایی < ورود فرانسه < خروج بریتانیا



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

جو عمومی بریتانیا مخالف اروپای متحد بود: فاصله جغرافیایی موجب جدایی ذهنی رسوب شده شد. کاستلره مانند ویلسون خود اولین خارج شونده از ابتکار خود بود: موانع داخلی و سنت های تاریخی. انزو اطلبی امریکایی: دموکراسی امریکایی برای همگان خوب است؛ انزو اطلبی انگلیسی: سنت های بریتانیایی به دیگران بی ربط است.



دیپلماسی

کنسرت اروپایی: بریتانیای کبیر، اتریش و روسیه

مشروعیت به عنوان اصل اساسی مترنخ نمی توانست برای همیشه زوال دائمی موقعیت جغرافیایی و سیاسی اتریش یا ناسازگاری فزاینده میان نهادهای داخلی اش و گرایش های ملی غالب این کشور را جبران کند.

فرانسه و روسیه بر سر حامی مسیحیان بودن رقابت می کردند. بریتانیا شروع به مداخله در موضوع عثمانی کرد. عثمانی با روسیه وارد جنگ شد. اتریش رویکردش را بعد از مترنخ از ایده آلیسم فاصله داد و اهرم خود را از دست داد. پروس فشار آورد و امپراتوری اتریش تمام شد.



از توجه شما ممنونم